



روایت‌هایی از یک تجاوز وحشیانه

پنجشنبه ۱۶ فروردین ماه ۱۴۰۳ • ۲۴ رمضان ۱۴۴۵ • ۴ آوریل ۲۰۲۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۸۱۸ • ۴ صفحه نسخه دیجیتال



تهدید اصلی برای انسان این است که بنده شیطان شود

آنچه تهدید اصلی برای انسان به شمار می‌رود، این است که بنده شیطان شود.

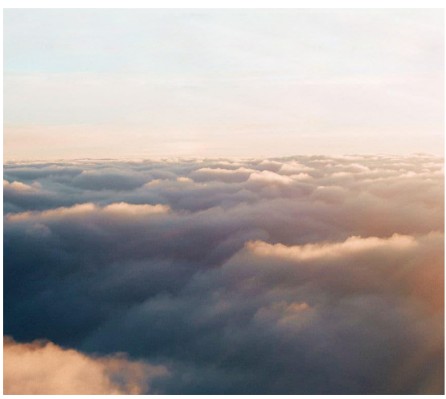
صفحه ۱۰



جامعه‌ای که به بلای دنیا طلبی دچار شود عدالت علوی را بر نمی‌تابد

حجت‌الاسلام محمدجواد یآوری گفت: دنیا دوستی اصحاب، نظام قبیله‌ای و تحرکات دشمنان از جمله عواملی بودند که سبب شدند...

صفحه ۱۰



از نگاه قرآن، تقوا عالی‌ترین عطیه پروردگار به انسان است

حجت‌الاسلام المسلمین علم‌الهدی گفت: از نگاه قرآن تقوا عالی‌ترین عطیه‌ای است که خداوند متعال به انسان‌ها ...

صفحه ۱۲



کشف ترجمه‌های منحصر به فرد از قرآن پس از چند قرن

ژلبر لازار، ایران‌شناس نامدار فرانسوی، پس از دیدن "قرآن قدس" آن را پرتو نور جدیدی به روی چگونگی شکل‌گیری ...

صفحه ۱۰



جزای کسی که مردم را آزار ندهد

دفتر آیت الله سیستانی مبلغ فطریه ۱۴۰۳ را اعلام کرد

سپهرغرب، گروه سیاسی: دفتر آیت‌الله العظمی سیستانی میزان و مبلغ فطریه ۱۴۰۳ را از ۷۰ تا ۱۸۰ هزار تومان اعلام کرد. بر اساس اعلام دفتر آیت‌الله العظمی سیستانی، از آنجا که میزان زکات فطره برای هر فرد سه کیلوگرم است، مبلغ آن برای فطریه بدل از آرد هفتاد (۷۰) هزار تومان و برای فطریه بدل از برنج ایرانی صد و هشتاد (۱۸۰) هزار تومان و فطریه بدل از برنج غیر ایرانی، صد و بیست (۲۰۰) هزار تومان تعیین شده است.



زندگی با ایمان

سپهرغرب، گروه اندیشه: آنچه تهدید اصلی برای انسان به‌شمار می‌رود، این است که بنده شیطان شود. یعنی شیطان از گلوگاهی وارد می‌شود تا معبود و رهبر فرد و جامعه شود و در عرض خدا، مردم را به عبادت و اطاعت خود فراخواند.

انسان در طول تاریخ، تمام همتش پاسخ به نیازهایش بوده، چرا که انسان ذاتاً موجودی نیازمند آفریده شده است. خطر مهلکی که در کمین انسان است، از یک سو تشخیص نادرست نیازهایش است و از سوی دیگر تجویز پاسخ‌های نادرست به این نیازها. ارمغان انبیای الهی برای عبور دادن انسان‌ها از این گردنه پرخطر، چیزی نیست مگر تعالیمی از جنس وحی الهی؛ قرآن کریم آن تحفه گران‌بهای بی‌نظیر شفابخش هدایت‌کننده‌ای است که به‌واسطه حضرت محمد (ص) از طرف خداوند متعال برای انسان فرستاده شده است. انسان به‌سرمنزل آرائش، اطمینان و رضایت‌مندی در این دنیا نمی‌رسد مگر به‌واسطه استمداد و بهره‌مندی عقلی از این کتاب باعظمت.

قرآن کریم، حقایقی را به انسان تعلیم می‌دهد که انسان قرن بیست‌ویکم، با وجود تمام پیشرفت‌های مادی بشری که به دست آورده است هیچ‌گاه توان و امکان دانستن آن‌ها را نداشته و ندارد، حقایقی که اگر برای انسان آشکار شود و به آیه عمل کند، سبب قدرتمندی و رستگاری‌اش می‌شود. لذا فقط کسانی می‌توانند از گمراهی آشکار خارج شوند و به‌سوی تباهی نروند، که مورد تعلیم کتاب خدا قرار گرفته باشند. قرآن، کتاب حکیم، کتاب کریم و کتاب هدایتی است که هرکسی با آن نشست‌وبرخاست نماید، بیثباتی

تهدید اصلی برای انسان این است که بنده شیطان شود

مغرور، و با همان غرور به زمینت می‌زند.

«ببین، دشمنی کرد ولی آشکارا نبود!»

شیطان عبارت از جناب ابلیس نیست یا یک چیز پنهان و مخفی که به چشم نمی‌آید، به دست لمس نمی‌شود، در همه‌جای زندگی آدم هم ممکن است پیدا باشد، فقط این نیست. شیطان یک چیز وسیعی است، یک مفهوم عامی است. شیطان یعنی نیروهای شرانگیز و شرآفرین خارج از وجود انسان. نیروهای شرآفرین، اما خارج از محدوده وجود خود آدم، این می‌شود شیطان.

همچنانی که نفس را که قرین شیطان است، نوکر شیطان است، آلت دست و آلت فعل شیطان است اگر بخواهیم تعریف کنیم، می‌توانیم این جویری تعریف کنیم، نیروهای شرانگیز و شرآفرین درونی انسان. نفس و شیطان، نفس امیاره، شیطان. این از داخل، آن از خارج. این دوتا نیروهای فسادآفرینند، نیروهای شرآفرینند، نیروهای انحراف و انحطاط‌آفرینند. [۱]

اگر چنانچه گردنت را بردی طرف شیطان و طاغوت، که ریسمان ولایتش را بر گردن تو بیندازد، دیگر از دست او خلاصی پیدا نخواهی کرد. هرچه در وجود تو، از نیرو و از ابتکار و از فعالیت‌های سازنده و از جلوه‌های درخشنده وجود دارد، تحت قبضه طاغوت و شیطان درخواهد آمد. وقتی که تو تمام وجودت در قبضه او درآمد، آن وقت او به‌آسانی می‌تواند تو را در همان راهی که خودش می‌خواهد، به همان جایی که خودش می‌خواهد، بکشاند و ببرد، و پیداست که شیطان و طاغوت انسان را به نور و معرفت و آسایش و رفاه و معنویت رهنمون نمی‌شود. او برایش این چیزها

نیستم که به‌جای شیطان و دیگران، فقط بنده من باشید و فقط مرا اطاعت کنید؟! «هَذَا صِرَاطٌ مِّسِّ تَقِيْمٍ» «این بندگی من، همان شاهراه اصلی و نزدیک‌ترین مسیر به هدایت است. آنچه تهدید اصلی برای انسان به‌شمار می‌رود، این است که بنده شیطان شود. یعنی شیطان از گلوگاهی وارد می‌شود تا معبود و رهبر فرد و جامعه شود و در عرض خدا، مردم را به عبادت و اطاعت خود فراخواند!

«غلام و بیل»

ارباب وقتی به غلام خود بیلی می‌دهد، هیچ هم نگوید، تمام گفتنی‌ها را گفته که ننشین! راه بیفت! بیکار نباش! کاری کن! تو گویی عهدی میان آن‌ها گذشته باشد و اگر گذشت و کاری نکرد، می‌تواند مؤاخذه کند. و غلام هم نمی‌تواند بگوید که چیزی به من نگفته‌ای. چرا که ارباب خواهد گفت: پس بیل چه بود؟ و برای چه؟ بیل را در کف تو نهادم که چه شود؟ چرا دادم؟ چرا گرفتی؟

خداوند هم در سر آدمی عقلی نهاد که اگر به کار بسته شود، آدمی جز پرستش و حرف شنوی از او را سزاورا نمی‌داند، یعنی گوش و هوشش تنها بدهکار حق می‌شود، نه شیطان که دشمنی آشکار است، اگر چه دشمنی‌هایش هیچ آشکارا نیست. گاه راه می‌نماید اما چاه است و گاه راه است.

می‌خواهی دست به جیب شوی، می‌گویی: هزاران مثل او هستند، مگر همین یکی است؟! و به این وسیله کمک را در نگاه تو کوچک، تو را از انجام آن مأیوس می‌کند. و اگر گوشت بدهکار نشد و کردی، می‌گویی در این روزگار که فقط رحم و ترحم است، دست به جیب شدی! مرحبا! آفرین! کاری کردی کارستان! و تو بادین وسیله آن را بزرگ و با بزرگ کردن آن، تو را

او افزوده می‌شود و قلب او به نور هدایت روشن و توانش برای پیمودن راه حق مضاعف می‌شود.

بهره‌مندی از قرآن، فقط با انس و ارتباط مداوم با این چشمه نورانی است که محقق می‌شود. حفظ قرآن شاید جز بهترین راهکارهای ایجاد انس و ارتباط مداوم با قرآن کریم باشد. حفظ قرآن اگر همراه با فهم و استفاده مکرر آیات در زندگی باشد، می‌تواند بهانه انس بیشتر ما با قرآن کریم شود. باید تلاش شود تا حفظ قرآن کریم مقدمه جاری شدن قرآن در صحنه‌های گوناگون زندگی یکایک انسان‌ها شود. متن زیر حاصل تلاش دارالقرآن کریم برای تبیین و همچنین حفظ موضوعی آیات قرآن کریم است که در روزهای ماه مبارک رمضان تقدیم نگاه شما می‌شود.

آنچه در ادامه می‌خوانید بخش بیست و سوم مجموعه «زندگی با آیه‌ها» برگرفته از کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است:

اَلَيْحَ اُعْبِدُ اِلَّاكَمَّ يَا بَنِي اَدَمَ اِنْ لَّا تُعْبُدُوْا الشَّيْطَانَ اِنَّهُ لِكَبُّمُ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ، وَاَنْ اَتَّبِعُوْنِيْ جِنْدًا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ

«ترجمه تدری آیات ۶۱۶-۶۱۷ س»

«اَلَيْحَ اُعْبِدُ اِلَّاكَمَّ يَا بَنِي اَدَمَ» مگر ای فرزندان آدم، با شما عهد نیستم که «اَنْ لَّا تُعْبُدُوْا اِلٰهِيْ» شیطان را نپرستید؟! «اِنَّهُ لِكَبُّمُ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ» زیرا او به‌وضوح دشمن شماست. انسان عاقل که دشمن خود را نمی‌پرستد، چون به ضرر خود اوست. البته پرستش آشکار شیطان در بشر چندان دیده نمی‌شود؛ پس خداوند پیروی، تبعیت و اطاعت از شیطان را پرستش او دانسته است و می‌فرماید: «وَاَنْ اَعِ تَّبِعُوْنِيْ» و مگر عهد

سپهرغرب، گروه اندیشه: آیات انتهایی سوره زلزال هشدار می‌دهد که نه گناهان کوچک را کم‌اهمیت بشمرند، و نه اعمال خیر را کوچک، چیزی که مورد محاسبه الهی قرار می‌گیرد هر چه باشد کم‌اهمیت نیست.

به اذعان صاحب‌نظران و کارشناسان، یکی از راه‌هایی که می‌توان مفاهیم کاربردی و مورد نیاز از امروز جامعه را در بین مردم گفتمان کرد و به مسلمات فکری رایج بین مردم تبدیل کرد، حفظ آیات کلیدی قرآن توسط عموم جامعه است. مقام معظم رهبری به حفظ آیات کلیدی و مهمی که دست استعمار سعی در دورنگه‌داشتن چهره اسلامی از آنان داشته است تأکید ویژه‌ای دارند.

جهت تحقق قرآنی فریضه جهاد تبیین نیاز به یک حرکت و جریان قرآنی هم‌افزای ملی، با پرچم‌داری جریان‌های مردمی و حمایت تمام قد ظرفیت‌های حاکمیتی و دولتی است. این جریان، در گام اول در ماه مبارک رمضان، جهت ادای فریضه فوری و قطعی جهاد تبیین و تقویت



سوره زلزال



نه گناهان کوچک، کم‌اهمیت هستند و نه اعمال خیر، کوچک

و انزوی‌ها و ابتکارها و استعدادهای تو در قبضه طاغوت واقع می‌شود. [۳]

[۱] طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۱۰، ص ۲۷۷. [۲] همان، جلسه ۲۷، ص ۲۷۶. [۳] همان، جلسه ۲۷، ص ۲۷۰.

هدف نیست، برای شیطان و طاغوت، مصالح شخصی خودش هدف اولی است و می‌خواهد آن‌ها را تأمین کند؛ پس تو را در راه مصالح شخصی خود به کار می‌اندازد. [۲]

اگر تن به ولایت طاغوت دادی، تمام نیروها

اعمال خیر را کوچک، چیزی که مورد محاسبه الهی قرار می‌گیرد هر چه باشد کم‌اهمیت نیست.

فرضه است که انسان را در مسیر حق وادارد، و از هرگونه شر و فساد باز دارد.

زلزله بزرگ زمین در آستانه قیامت، امری قطعی و حتمی است. «اِذَا زُلْزَلَتِ الْاَرْضُ زَلْزَالَهَا» (کلمه اذا در موردی به‌کار می‌رود که امر قطعی باشد)، معاد جسمانی است. (جسم انسان‌ها در زمین دفن شده که در قیامت خارج می‌شود، نه روح آنها) اُخْرِجَتِ الْاَرْضُ زُلْزَالَهَا قیامت روز تحوُّر انسان است. قال الْاِنْسَانُ مَا لِيْهَا. هستی شعور دارد: «وَمِمَّنْ جَعَلْتُمْ اُخْبَارَهَا. زمین از گواهان قیامت است. يَوْمَئِذٍ يُعَذِّبُ اُخْبَارَهَا. در قیامت راه هرگونه انکار بسته است. لِيَرْوُا اَعْمَالَهُمْ. همه مردم در دادگاه عدل الهی یکسان‌اند. فَمَنْ يَعْمَلْ... فَمَنْ يَعْمَلْ... کيفر و پاداش الهی، بر اساس عمل است. فَمَنْ يَعْمَلْ... فَمَنْ يَعْمَلْ...

«عمل هر چه هم کوچک باشد، حساب و کتاب دارد. لذا نه گناهان را کوچک شمردید و نه عبادات را. مَثَقَالَ ذَرَّةٍ.»

آیه ۷ به سر انجام کار هر یک از این دو گروه مؤمن و کافر، نیکوکار و بدکار، اشاره کرده، می‌فرماید: «پس هر کس هم وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند!» (فمن يعصم مثقال ذرة خيرا يره).

ظاهر این آیات نیز تأکید مجددی است بر مسأله «تجسم اعمال» و مشاهده خود عمل، خیر انجام دهد آن را می‌بیند!» (فمن يعصم سوزنی کار نیک یا بد باشد در برابر صاحب آن مجسم می‌شود و آن را مشاهده می‌کند.

منظور از «ذرة») در اینجا کوچک‌ترین وزن‌هاست.نه تنها از آیات فوق، که از آیات مختلف قرآن به خوبی استفاده می‌شود که در حسابرسی اعمال در قیامت فوق العاده دقت و موشکافی می‌شود، در آیه ۱۶ سوره لقمان می‌خوانیم: «پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (عمل نیک یا بد) باشد و در دل سنگی یا در گوشه‌ای از آسمان‌ها یا زمین پنهان گردد، خداوند آن را (در قیامت) برای حسابرسی می‌آورد، خداوند دقیق و آگاه است».

این تعبیرات نشان می‌دهد که در آن حسابرسی بزرگ کوچک‌ترین کارها محاسبه می‌شود، ضمناً این آیات هشدار می‌دهد که: نه گناهان کوچک را کم‌اهمیت بشمرند، و نه

کنشگری آنان خواهیم بود، چرا که در گام دوم انقلاب، باید مردم را از صرف استفاده به افاده و کنشگری سوق دهیم.

در این مسیر و جهت اتقان و احکام هر چه بیشتر، با هدف محوریت یافتن نظرات اندیشمندانی که نظام اندیشه‌شان بر اساس مبنای قرآنی شکل گرفته و در عین تسلط به مبنای قرآنی، نگاهی به عرصه واقع و عینیت جامعه نیز در آنها وجود دارد.

طرح زندگی با آیه‌ها در صدد است که عموم مردم را با مفاهیم آیات منتخب پیش از پیش آشنا کند و خبرگزاری مهر در مجموعه مطالب «زندگی با آیه‌ها» آیه منتخب هر روز به صورت تفصیلی صوتی و تصویری و مکتوب با بیان استاد محمدعلی انصاری مفسر قرآن کریم به تفسیر این آیات می‌پردازد.

بسیست و سومین قسمت آیه ۷-۸ سوره زلزال است که خداوند می‌فرماید: «فَمِنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَّرَ بِهِ وَسَوْ يَرُّهُ كَمَا يَأْتِيهِ مِنَ الْخَيْرِ اِنْ حَسَبَ» انجام دهد آن را می‌بیند.!!

«در این آیه نکاتی دارد که از آن چنین استخراج می‌شود:

جامعه‌ای که به بلای دنیاطلبی دچار شود عدالت علوی را برنمی‌تابد

حکومت ولایی اهل بیت علیه السلام نیستند زیرا در این نوع حکومت عدالت برقرار می‌شود و آنها به ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی مبتنی بر هوا و هوس دنیوی نخواهند رسید.

وی افزود: علت دیگر این است که اگر یک جامعه اعم از افراد بی‌دین یا حتی دیندار نمازخوان و روزه دار به دنیا‌گرایی، تمسک به دنیا و منفعت طلبی به عنوان یک ارزش نگاه کنند و به آن دل بسته و وابسته شوند تغییر آن جامعه کار بسیار سختی می‌شود و عدالت علوی را بر نخواهد تافت. نمونه عینی آن کاری بود که خلفا انجام دادند، در زمان خلیفه دوم، وقتی بنی امیه در شام روی کار آمدند مسئله نژادپرستی و ثروت اندوزی را مطرح کردند و بین دین، ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی هیچ ممنوعیتی قرار ندادند و آن را تبدیل به یک فرهنگ کردند و تمایز در شخصیت افراد را به ثروت گره زدند و این اقدام جزو برنامه‌های اصلی حکومت خلفا بود. آنها تا

جایی پیش رفتند که وقتی امیرمومنان امام علی (ع) به خلافت رسیدند برخی از اصحاب برجسته حضرت که به این فرهنگ عادت کرده

بود که برخی عدالت علوی را برناتافتند. این پژوهشگر تاریخ اسلام با بیان اینکه مسأله دیگری که سبب شد مردم عدالت علوی را برنتابند، نقش دشمن بود،

تخریب شخصیت امیرمومنان امام علی (ع) به گونه‌ای بود که حضرت و حکومت ایشان را مخالف ارزش‌ها جلوه دادند. این بستری بود که به ویژه معاویه از آن استفاده کرد و اصحاب را بر علیه امیرمومنان امام علی (ع) تحریک می‌کردند تا جایی که بسیاری از اصحاب از کنار امیرمومنان امام علی (ع) فرار کرده و به معاویه می‌پیوستند.

حجت الاسلام یآوری با اشاره به عامل دیگری ابراز کرد: شاید مهم‌ترین عامل نقشی بود که نظام قبایلی و ساختار قبایلی داشت. وابستگی و دل بستگی به نظام قبایله‌ای سبب شد که رقابت، حسادت، فخر فروشی و نفرت پراکنی شیوع پیدا کند. بنابراین بسیاری از قبایل شرافت‌خاندانی را مطرح کرده و به آن فخر می‌کردند. جریانات و عواملی سبب تحریک آنها می‌شد. به خصوص در دوره خلفا، قبایلی مثل بنی‌امیه که خود را مهمتر و برتر جامعه معرفی می‌کردند و می‌خواستند تسلط داشته باشند بنابراین امثال معاویه و شخصیت‌های نظیر او را به گونه‌ای در جامعه مطرح کردند که باید همه باید پیروان آنها

جمع بشوند تا به آنچه می‌خواهند برسند. وی در پایان خاطرنشان کرد: نکته مهم دیگر این بود که امیرمومنان امام علی (ع) بیت المال را حق مردم می‌دانستند و در تقسیم آن عدالت را رعایت می‌کردند و در این امر و مسائل اقتصادی با هیچکس مسامحه و مصالحه نمی‌کردند. شاید در برخی مسائل سیاسی مصلحت‌اندیشی می‌کردند اما در مسائل مالی و اقتصادی هیچگاه مسامحه و مصالحه نکردند و از چیزی هم گذشت نمی‌کردند. همین مسأله سبب شد که حتی برادر ایشان عقیل هم مدتی از ایشان جدا شوند اگرچه پس از آن پشیمان شده و به سمت امیرمومنان امام علی (ع) برگشتند یا افراد دیگر از دست کارهای امیرالمومنان امام علی (ع) ناراحت بودند که ایشان بین عرب و عجم تفاوتی قائل نبودند. در صورتی که خلفا بر این تفاوت و تبعیض قائل بودند، همچنین از وابستگی امیرالمومنان امام علی (ع) درخواست دریافتی بیشتری از بیت المال می‌کردند که پاسخ حضرت به آنها منفی بود. این عامل اصلی بود که در حکومت الهی و ولایی امیرمومنان امام علی (ع)، کسانی که منفعت آنها بر خلاف سیره حضرت بود از امام جدا شوند و عدالت علوی را برنتابند.

کلام پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) در مورد اهمیت دادن به طبیعت

سپهرغرب، گروه اندیشه: حضرت علی علیه‌السلام در اهمیت طبیعت فرموده‌اند: **«الْتَّكْوَرُ إِلَى الْخُمْرَةِ نُشْرَةٌ»** «نگاه کردن به سبزه موجب شادابی است.» منبع: نهج‌البلاغه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرموده‌اند: **«لَا تُحَرِّقُوا النَّحْلَ وَ لَا تُحَرِّقُواهُ بِالْمَاءِ وَ لَا تُحَرِّقُوا شَجَرَةَ مُثْمِرَةٌ وَ لَا تُحَرِّقُوا أَرْعًا لِاتْمِدْرُونَ لَعَنَکُمْ تَحْتَا جُؤنِ آلِهِه»** «نخل را نسوزانید و آن را در آب غرق نکنید. درخت را رور با رور قطع نکنید و زراعت را به آتش نکشید؛ زیرا شما نمی‌دانید، شاید در آینده به آن نیازمند شوید.»

منبع:الکافی

sepehrgharb.news@gmail.com

سپهرغرب، گروه اندیشه: **حجت‌الاسلام المسلمین علم‌الهدی گفت:** **از نگاه قرآن تقوا عالی‌ترین عطیه‌ای است که خداوند متعال به انسان‌ها عنایت می‌کند به شرط اینکه خود انسان‌ها هم آن ظرفیت لازم را داشته باشند.**

حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدباقر علم الهدی به مناسبت ماه مبارک رمضان در تفسیر آیه ۱۳ سوره حجرات گفت: «یا ایُّها النِّاسُ اِنَّا خَلَقْنَاکُمْ مِنْ ذِکْرِ وَاُنْثٰی وَ جَعَلْنَاکُمْ شُجُوْرًا وَّ قِبَاثِلَ لِتَعَارَفُوْا اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقَاکُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِیْمٌ خَبِیْرٌ» یعنی «ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرقی مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمایند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است.».

وی با بیان اینکه در تفسیر این آیه چند نکته وجود دارد، عنوان کرد، در آیات گذشته روی سخن به سوی مؤمنان بود که با تعبیر (یا ایها الذین آمنوا) مطرح می‌شد؛ اما باید همواره جامعه مؤمنان هم آسیب شناسی شود؛ چرا که اگر جامعه مؤمن آسیب شناسی نشود می‌تواند گرفتار فروپاشی شود.

حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی افزود، آن چیزی که عموماً در جامعه انسانی و خصوصاً در جامعه ایمانی مهم بوده این است که انسان‌ها گرفتار خودمجوری، غرور، تکبر خاص زندگی اجتماعی نشوند. قرآن کریم به همه انسان‌ها از جمله مؤمنان تلنگر می‌زند آنجا که می‌فرماید «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن خلق کردیم»، که منظور حضرت آدم (ع) و حضرت حوا (س) است لذا چون ریشه همه ما به یک جا برمی‌گردد معنی ندارد که ما از نظر نسل، قبیله، رنگ پوست و سایر امتیازات با یکدیگر افتخار کنیم.

تولیت حوزه علمیه قاسم بن الحسن ادامه داد: در این آیه می‌فرماید اگر خداوند متعال برای هر قبیله و طایفه‌ای ویژگی‌هایی قرار داده برای حفظ نظم و زندگی اجتماعی است؛ چرا که این تفاوت‌ها سبب شناسایی ملت‌ها بر اقوام مختلف می‌شود و اگر شناسایی افراد انجام نشود قطعاً آن نظم و ویژه خوری در جامعه اسلامی حکم فرما نمی‌شود و همواره یک هرج و مرج عظیمی در سراسر جامعه

»

»

سپهرغرب، گروه اندیشه: **در دعای روز بیست و سوم ماه مبارک رمضان آمده است:** **«ای خدایِ که همه لغزش‌های گناهکاران را اقاله می‌کنی این دعاها را درباره ما اجابت کن. اقاله یعنی**

اینکه شما از یک کاسی جنسی را خریداری کرده‌ید و بعد از مدتی می‌خواهید آن را پس بدهید و مستحب است که آن کاسب جنس را پس بگیرد. این را اقاله می‌نامند، به خدا هم می‌گوییم خدایا گناهان ما را اقاله کن و ما را مفتکی و بدون هزینه پیامرز.»

بسم الله الرحمن الرحيم

«اللّٰهُمَّ اغْسِلْنِیْ فِیْهِ مِنَ الذَّنْبِ وَ طَهِّرْنِیْ فِیْهِ مِنَ الْعِیُوبِ وَ امْتَحِنْنِیْ قَلْبِیْ فِیْهِ بِتَقْوٰی الْقَلْبِ وَ امْقِلْ عِثْرَاتِ الْهِنْدِیْنِ» «خدایا بشو من را در این ماه از گناه و پاکم کن در آن از عیب‌ها و آزمایش کن دلم را در آن به پرهیزکاری دل‌ها، ای چشم پوش



آیت‌الله مجتهدی تهرانی

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

»

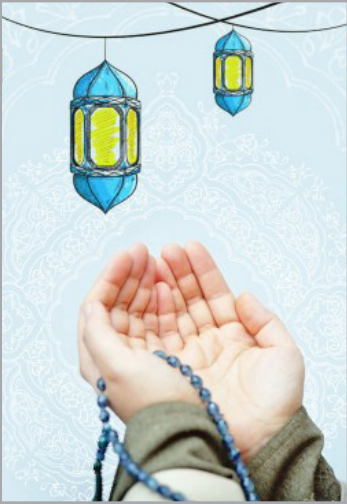
»

»

»

»

»



لغزش‌های گناهکاران»

آیت‌الله مجتهدی تهرانی در شرح فرزاز

انسانی ایجاد می‌شود.

این کارشناس دینی بیان کرد: قرآن کریم بزرگترین عنصر که سبب مباهات و مفاخره میان ملت‌ها است را تقوا معرفی کرده است و بیشترین عاملی که باعث تشدد و گسست اجتماعی می‌شود را مباهات کردن به عناصر عصر جاهلی یعنی نسب، قبیله و رنگ پوست دانسته است. قرآن بر روی این موارد خط بلطان می‌کشد. قرآن کریم اصالت را به نژاد، زبآن، رنگ پوست و حتی تاریخ تولد انسان‌ها نداده است بلکه اصالت را به تقوا و خداترسی داده است و فرموده است اگر می‌خواهید به خداوند و پروردگار عالم نزدیک بشوید تنها افعال رسیدن به تقرب پروردگار عالم تقوا است.

وی با بیان اینکه تقوا یک ویژگی باطنی است، ابراز کرد: تقوا یعنی اینکه مردم خدا را فریب ندهند. رفتارهای نفسانی و گناه‌های خود را به حساب خدا ننویسند و فرافکتی ارزش آنها در این است که اهل فلان شهر می‌شوند و به خود مجوز گناه می‌دهند به عنوان مثال وقتی می‌گویند ما از دیوار مردم بالا نرفتیم، ۴۰۰۰ هزار میلیارد اخلاس نگذردیم، بگذار گناه ما همین باشد که لب به نجاست می‌زنیم یا مقداری از موی سر دختر یا همسر ما بیرون باشد، یا می‌گویند ما که رفتیم بانک را تخلیه کنیم یا اخلاس کنیم یا زمین خواری‌های خاص و ویژه خوری در جامعه انجام ندادیم بگذار گناه ما همین قدر باشد که مقداری نسبت به حقوق جامعه

شکایت می‌کنیم. برخی از پول‌ها را با برخی از سندسازی‌ها از بیت المال خارج کرده و به نفع خود تصاحب می‌کنند این موارد دور زدن خدا و احکام خداوند است. اینکه قرآن کریم می‌فرماید اصالت در عرصه و قلمرو تقوا و پرهیزکاری از خداوند معنا می‌شود یعنی ما خدا را دور نزنیم و به خود مجوز گناه ندهیم، لذا قرآن در این آیه ارزش‌های راستین انسانی را به انسان‌ها توجه می‌دهد و آنها را نسبت به ارزش‌های کاذب و دروغین هشدار می‌دهد.

حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی با بیان اینکه پیوستن به ارزش‌ها از نظر فطری مطلوب انسان‌ها است، گفت: همه دوست دارند آن ارزش‌های اصیل را دارا باشند. قرآن کریم به ما نشاط می‌دهد که اصالت در ارزش به زبان، قوم و قبیله و نژاد و رنگ پوست نیست بلکه به پرهیزکاری و تقوا است؛ لذا افرادی که ارزش واقعی خود را در انتصاب به برخی قیایل معروف می‌بینند یا فکر می‌کنند ارزش آنها در این است که اهل فلان شهر باشند و دیگری که اهل فلان شهر نباشند آنها دارای ارزش نیستند. این گونه انسان‌ها خود را در این دنیا معطل کرده‌اند، چرا که گفت «کبرم پدر تو بود فاضل از فضل پدر تو را چه حاصل»؛ قرآن می‌خواهد ما را از برخی ارزش‌های مادی زودگذر عبور داده و به برخی ارزش‌های واقعی انسانی منتقل کند.

این کارشناس دینی با تأکید بر اینکه از نگاه قرآن تقوا عالی‌ترین عطیه‌ای است که خداوند متعال به انسان‌ها عنایت می‌کند به

شرط اینکه خود انسان‌ها هم آن ظرفیت لازم را داشته باشند، عنوان کرد: قوم و قبیله، رنگ و نژاد مال و ثروت و جایگاه اجتماعی هیچکدام ارزش نیست؛ بلکه ارزش آن است که انسان بتواند در مقابل گناه مقاومت کند. به عنوان مثال پس از فتح مکه پیامبر اکرم (ص) دستور دادند یک نفر اذان بگوید، اولین اذان پس از فتح مکه در کنار کعبه بود. بلال یک غلام سیاه چهره است که زبان او می‌گرفت، او آمد اذان گفت، اینجا یک نفر به نام عتاب بن عسیب از مشرکانی بود که توسط پیامبر اکرم (ص) آزاد شده بود، تا صدای اذان بلال را شنید کنار پیامبر آمد به گونه‌ای که پیامبر بشنود گفت شکر که پدر من از دنیا رفت که چنین روزی ندید که یک غلام سیاه چهره برای اولین بار در کنار کعبه نام خدا را این چنین بر زبان بیاورد. همچنین شخص دیگری به نام حارث بن هشام آمد کنار حضرت رسول (ص) آمد و با تعبیر رشتنی درباره بلال گفت غیر از این کلاغ سیاه دیگر کسی نبود که اذان بگوید. او به بلال توهین کرد. در این زمان آیه ۱۳ سوره حجرات نازل شد که «یا ایها الناس انا خلقناکم...» خداوند به مردم گفت شما از یک پدر مادر هستید و همه از یک جا نشئات گرفتید و ریشه همه شما از حضرت آدم بوده است هیچ تفاوتی بین انسان‌ها وجود ندارد مگر به تقوا؛ در روایت دیگری پیامبر (ص) برای مردم خطبه خواندند و فرمودند ای مردم خداوند از شما ننگ جاهلیت و تفاخر

کردن به پدران، آبا و اجداد برداشت. سپس فرمودند مردم دو گروه هستند یا آدم‌های با تقوا و نیکوکار یا انسان‌های بدکار شقاوتمند و پست نزد خداوند هستند. همچنین فرمودند: همه مردم فرزندان حضرت آدم هستند خداوند متعال آدم را از خاک خلق کرد همانگونه که قرآن می‌فرماید ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را از تیره‌ها و قیایل مختلف قرار دادیم که شناخته شوید گرمای‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است.

وی در پایان خاطرنشان کرد: در بیان دیگری پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «ای مردم بدانید که خدای شما و پدر شما یکی است. آگاه باشید که عرب بر غیر عرب، غیرعرب بر عرب، سیاه پوست بر سرخ پوست یا سفید پوست بر سیاه پوست هیچ فضیلت و شرافتی ندارند مگر اینکه شخص تقوا داشته باشد». رسول الله (ص) فرمودند این سخن مرا به همه مردم بگویید که «ادبیات و ملاک دین این ظاهر نیست بلکه آموزه‌های دین بر اساس تقوا، خاترسی و فضائل اخلاقی بین مردم تقسیم می‌شود. هر کس پرهیزکارتر باشد در پیشگاه خداوند عزیزتر است». امید که خداوند متعال به همه ما عنایت کند که از این دام‌های عصبیت و جاهلیت که گاهی در پیش پای مردم پهن می‌شود رها شده و نجابت یابیم و بتوانیم تقوا را در زندگانی و عملکردهای خود به بهترین شکل نشان بدهیم.

خدایا گناهان ما را بدون هزینه پیامرز

می‌گوید: برای اینکه از خدا بخواهیم تا ما را پاک کند، باید نیمه شب از خواب برخیزیم و مانند کودکان اشک بریزیم و گریه کنیم و چون خدا مهربان است ما را می‌بخشد. وی در ادامه در شرح فرزاز «وَوَهِّبْنِیْ فِیْهِ مِنَ الْعِیُوبِ» اظهار می‌کند: خدایا من را از عیبم پاک کن؛ عیب‌ها عبارتند از: تهمت، غیبت، دروغ، ریا، تکبر، حسد ... بدانید که اگر عیب داشته باشیم، ثواب کامل اعمالمان نوشته نمی‌شود.

استاد بزرگ اخلاق در ادامه شرح دعای روز بیست و سوم در توضیح فرزاز «وَاَمْتَحِنْنِیْ قَلْبِیْ فِیْهِ بِتَقْوٰی الْقَلْبِ» می‌گوید: در این بخش از دعای روز بیست و سوم ماه رمضان می‌گوییم؛ خدایا، دلم را آزمایش کن تا با اهل تقوا هماهنگ شوم.

آنهايي که تقواي دل دارند، تقواي دل از تقواي زبان بهتر و ارزشمندتر است. ما گاهی زبانمان ترس خدا را اعتراف می‌کند، اما در دلمان ترس خدا نیست.

»

کشف ترجمه‌ای منحصر به فرد از قرآن پس از چند قرن

در هیچ‌کدام از متن‌های دیگری که در این حوزه تألیف شده‌اند، نمی‌توان مجموعه‌ای از این ویژگی‌های زبانی را دید؛ از این رو ترجمهٔ قرآن فرد سرت بیش از دیگر کتاب‌های شناختهٔ این حوزهٔ جغرافیایی به سبب گستردگی به‌کارگیری واژگان و ساختارها و ویژگی‌های آوایی زبان پهلوی، توانسته است نگاه و



ترجمه و دیگر ترجمه‌های

اندیشه
روزنامه صبح **غرب** کشور
پنجشنبه ۱۶ فروردین‌ماه ۱۴۰۲ | شماره ۲۸۱۸

www.sepexprs.ir

تحلیل

جزای کسی که مردم را آزار ندهد

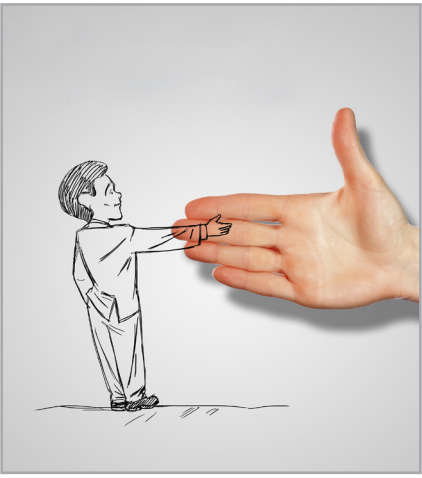
سپهرغرب، گروه اندیشه: **خداوند در این ماه برای انسان مؤمن یک فرصت اجباری برای عبادتی مثل روزه فراهم کرده است و افراد به بهانه آن می‌توانند رابطه خود با خدا را اصلاح کنند و از بعضی از خواهنش‌های نفسانی و خطاهای دور باشند؛ به عنوان نمونه رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از مراقبت‌های این ماه را دوری از آزار رساندن به مردم معرفی کرد و فرمود «اَیُّهَا النَّیْسُ... مِنْ کَفِّ فِیْهِ شَرٌّ کَفِّ اِلَیْهِ عِنْدَ غِیْثِ یَوْمَ یُلقَاہُ؛ یعنی ای مردم، هرکه در این ماه از آزار رساندن به مردم خودداری کند، حق تعالی روز قیامت خشم نفسانی و خطاها دور باشند.**

ماه مبارک رمضان فرصتی مناسب برای رفتن به سمت خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها است؛ چرا که خداوند در این ماه برای انسان مؤمن یک فرصت اجباری برای عبادتی مثل روزه فراهم کرده است و افراد به بهانه آن می‌توانند رابطه خود با خدا را اصلاح کنند و از بعضی از خواهنش‌های نفسانی و خطاهای دور باشند؛ به عنوان نمونه رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از مراقبت‌های این ماه را دوری از آزار رساندن به مردم معرفی کرد و فرمود «اَیُّهَا النَّیْسُ... مِنْ کَفِّ فِیْهِ شَرٌّ کَفِّ اِلَیْهِ عِنْدَ غِیْثِ یَوْمَ یُلقَاہُ؛ یعنی ای مردم، هرکه در این ماه از آزار رساندن به مردم خودداری کند، حق تعالی روز قیامت خشم خود را از او بازدارد.»

مخاطب این بخش از حدیث افراد خاصی نیستند بلکه می‌تواند شامل همگان شود؛ چرا که آزار رساندن مصداق‌ها و درجات مختلفی دارد.

فردی ممکن است با زبان خودش موجبات آزار دیگران را فراهم بیاورد، مانند آنکه نیش و طعنه و کنایه بزند. حتی ممکن است انتقاد بجایی از وضعیت جامعه داشته باشد، اما انتقاد او در زمان و مکانی باشد که آسایش روحی و روانی دیگران را مورد آسیب قرار دهد. یا گاهی اوقات در خیابان حق تقدم را رعایت نکنند و سبب آزار زندگان شود و یا در خیابان بوقی اضافه یا ماشین بزند و سبب سلب آرامش عمومی شود و یا آشغالی روی زمین بریزد که سبب انزجار مردم شود.

بنابراین آزار رساندن در درجات بالاتر، همان عمداً از حسادت و عقده‌های درونی سرچشمه می‌گیرد که به طور حتم بدترین نوع آزار است.



مفهوم اذیت و آزار در قرآن در بیشتر موارد به معنای آزردن و رنجاندن و در قالب‌های مختلفی مثل عیب‌جویی و استهزاء، تمهت و تجسس آمده است. آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات به مفهوم استهزاء و مسخره کردن اشاره دارد. آنجا که فرمود «یا ایُّها الذِّیْنِ اٰمَنُوْا لَا یَسْخُرُوْا مِنْ قَوْمٍ عِسیٰ اَنْ یَّکُوْنُوْا خَیْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِیْسًا مِنْ نِیْسًا عِسیٰ اَنْ یَّکُنَّ خَیْرًا مِنْهُمْ وَلَا تَلْمِزُوْا اَنْفُسَکُمْ وَلَا تَبَايَزُوْا بِاللُّغَابِ»؛ یعنی «ای کسانی‌ا ایمان آورده‌اید، نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از ایشان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیب جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید.»

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ضمن سخنانی، آزار دادن دیگران را از خصلت افراد شرور دانسته، می‌فرماید: «عَادَةُ الْاَشْرَارِ اَذِیَّةُ الرَّفَاقِ؛ عادت بدان، آزار کردن رفیقان است» و در جای دیگر آزاررسانی به افراد باکرامت و آزاده را خصلت افراد پست معرفی کرده، می‌فرماید «عَادَةُ الْاِثْمَانِ وَ الْاِعْمَارِ اَذِیَّةُ الْاِکْرَامِ وَ الْاِحْزَارِ؛ عادت اِثْمان و جاهلان، آزار کردن کریمان و آزادگان است.»

قیاحت آزار و اذیت دیگران به حدی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، اذیت مؤمنان را مساوی با آزار خود معرفی کرد و فرمود «مَنْ اَذَى مَوْمِنًا فَعَبْدٌ اَدَانِیْ؛ هر که مؤمنی را بیازارد مرا آزار داده است.» (روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۹۳) و امام صادق علیه‌السلام درباره عقوبت تمسخرکنندگان می‌فرماید «اِذَا كَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ نَادِیٌ مِّنْهُ: اٰیْنَ الصِّدُوْقِ الْاُولَیْاَئِیْ؟ فِیْقُوْمُ قَوْمٌ لَیْسَ عَلَیْ وَجُوْهِهِمْ لَیْمٌ وَ عَانِدُوْهُمْ وَ عَنُفُوْهُمْ فِی دِیْنِهِمْ ثَمَّ یُؤَمَّرُ بِهِمْ اِلَیْ جَهَنَّمَ»؛ یعنی در روز قیامت، ندا کننده‌ای ندا سر می‌دهد: کجایند آزار دهندگان دوستان من؟ پس گروهی برخیزند که صورتشان گوشت ندارد و گفته می‌شود: اینان کسانی هستند که مؤمنان را آزار دادند و با آنان دشمنی و مخالفت کردند و در پیشان برایشان سخت گرفتند؛ سپس به اندختن‌شان در جهنم فرمان داده می‌شود.» (الکافی (ط – الإسلامیة)، ج ۲، ص ۳۵)

